

## نقش نظریه تعویض سند در تصحیح طرق تهذیبین با تکیه بر نظرات شهید صدر

محمد حلاج امین<sup>۱</sup>

### چکیده

از آنجا که ارزیابی طرق و اسانید از شیوه‌های ارزش‌گذاری روایات و احراز صدور آنان از معصوم است، لذا شیخ طوسی در مشیخه تهذیبین طرقی را برای احادیث خود ذکر کرده است که برخی از این طرق مسلماً صحیح و برخی دیگر قابل مناقشه‌اند. مسئله ضعف سند در مشیخه تهذیبین موجب ضعف روایت و عدم اعتبار آن شده که در این شرایط یکی از راه‌های تصحیح این طرق، تمسک به نظریه تعویض سند است. این نظریه به ابتکار محقق خویی، مطرح و توسط شاگرد وی، شهید صدر، در قالب چهار روش، شرح و تفصیل داده شده است. تا اسناد ضعیف با اسناد معتبر جایگزین شده و در نتیجه به تصحیح روایات تهذیب و استبصار بیانجامد.

پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای تلاش می‌کند با تکیه بر نظریات شهید صدر، روش‌های تعویض سند را بر طرق ضعیف تطبیق داده و از میان ۳۶ نفر مذکور در مشیخه، طریق شیخ به ۱۹ نفر را بلا اشکال تصحیح کرده، همچنین، طریق به ۷ نفر را با روش اول تعویض سند، طریق به ۸ نفر را با روش چهارم تعویض سند و طریق شیخ به «علی بن الحسن بن فضال» را با روش سوم تعویض سند تصحیح نماید. ولی نسبت به روش دوم علی رغم تتبع نگارنده مصداقی برای آن یافت نشد.

**واژگان کلیدی:** تعویض سند، مشیخه تهذیب، تصحیح طرق، بازسازی اسناد، مشیخه

استبصار.

---

۱. طلبه درس خارج مدرسه شهیدین علیه السلام.

رایانامه: mohammadhalajamin@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۳۷۸۸۷۴۷۷۲



## ۱. مقدمه

شیخ طوسی در جلد اول تهذیب، سند خود به روایات را به صورت کامل ذکر کرده است اما از جلد دوم به بعد به جهت اختصار، تصمیم می‌گیرد که سند روایات را از صاحب کتابی که روایت را از آن اخذ کرده آغاز کند و سپس طریق خود به صاحب کتاب را در پیوست تهذیب - که مشیخه نام دارد - بیان کند. وی در کتاب استبصار خود هم از این روش مشیخه‌نویسی بهره برده است که از دو کتاب به عنوان تهذیبین یاد می‌کنند.

تعویض سند در واقع استفاده از سند دیگر یا بخشی از سند دیگر با شرایط خاص، به منظور تصحیح سند قابل مناقشه می‌باشد که این مقاله به روش‌های چهارگانه تعویض سند و همچنین تطبیق آنان بر اسناد قابل مناقشه مشیخه تهذیبین پرداخته و از این رو کسی که با طریق قابل مناقشه‌ای در مشیخه روبرو می‌شود، با رجوع به این مقاله امکان تطبیق روش‌های تعویض سند بر طریق مفروض و همچنین اعتبار مطلق یا مشروط - مبانی خاص - طریق روایت با تعویض سند را در می‌یابد.

اما نسبت به تعویض سند باید گفت این قاعده بدون استفاده از اصطلاح «تعویض سند» مورد استفاده علمایی مانند صاحب جامع الرواة و حاجی نوری (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۶؛ ص ۷۶) بوده است و در دوره معاصر و متأخر نیز در بیان مرحوم خوئی (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۷۸) و پس از ایشان نیز افرادی همچون شهید صدر (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۴۴ - ۲۳۸) و شاگرد ایشان سید کاظم حائری (القضاء في الفقه الإسلامي؛ ص ۵۲) به صورت مفصل به آن پرداخته‌اند و البته این اصطلاح اولین بار در کلام سید محمد باقر صدر آمده است.

توسعه این نظریه در قالب چهار روش بعد از ابتکار توسط محقق خوئی، به دست شاگرد ایشان، شهید صدر انجام شده است، لذا این نوشته با تکیه بر نظریات شهید صدر رحمته روش‌های تعویض سند را تبیین کرده و سپس به تطبیق آنان بر طرق قابل مناقشه تهذیبین در مشیخه می‌پردازد و در نتیجه اسانیدی که تعویض سند در آنان طبق همه مبانی موجب اعتبار بخشی شده و همچنین اسانیدی که تعویض سند در آنان طبق برخی مبانی اعتبار می‌یابد را ارائه می‌کند.

## ۲. تفکیک طرق صحیح از طرق قابل مناقشه

مرحوم شیخ ۴۶ مورد طریق را در مشیخه ذکر کرده است، (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲) که



تعداد آنها با حذف مکررات، در ۳۶ نفر منحصر می‌شود. البته گاهی شیخ بر هرکدام از آنها طرق متعددی را ذکر کرده است، اما در نهایت همه طرق به این ۳۶ نفر منتهی می‌شود. نگارنده پس از تتبع تام در این اسناد و بررسی تک تک طرق، به این نتیجه رسید که از میان این طرق، طریق ۱۹ نفر، بلا اشکال صحیح بوده، یا لااقل یک طریق صحیح برای ایشان وجود دارد، لذا تعویض سند در آنها لغو است؛ این افراد عبارتند از: «محمد بن یعقوب الکلینی»، «علی بن ابراهیم بن هاشم»، «محمد بن یحیی العطار»، «أحمد بن إدريس»، «الحسين بن محمد»، «محمد بن إسماعیل»، «حمید بن زیاد»، «سهل بن زیاد»، «محمد بن أحمد بن یحیی الأشعری»، «سعد بن عبدالله»، «محمد بن الحسن بن الولید»، «علی بن الحسین بن بابویه»، «الحسن بن محمد بن سماعة»، «محمد بن علی بن الحسین»، «أحمد بن داود القمی»، «جعفر بن محمد بن قولویه»، «موسی بن القاسم بن معاویة بن وهب»، «علی بن مهزیار» و «أحمد بن أبی عبدالله البرقی».

از این رو، تمرکز این تحقیق بر تعویض سند در مورد افرادی است که هیچ یک از طرق مذکور در مشیخه به آنان، «صحیح مسلم» نیست. البته «صحیح مسلم نبودن» لزوماً به معنای «ضعف» نیست، بلکه به این معنا است که برخی از افراد آن، توثیق خاص ندارند و اگرچه ممکن است وثاقت آنها بنابر برخی مبانی و با کمک برخی وجوه عامه پذیرفته شده باشد، اما در هر صورت وثاقت آنها محل کلام بوده و «مسلم» نیست.

نکته دیگر اینکه شیخ طوسی، علاوه بر ۱۹ نفر سابق، به «أحمد بن محمد بن عیسی»، «الحسین بن سعید» و «الحسن بن محبوب»، نیز طریق صحیح نقل کرده است، اما هنگام ذکر طریق، از تعبیری مثل «من جمله ما ذکرته عن فلان...» استفاده کرده است. این بدان معناست که فقط بخشی از روایات شخص، از این طریق به دست شیخ رسیده و با توجه به اینکه تشخیص روایات مستند به این طریق از سایر روایات ممکن نیست، پس در همه روایات، شبهه مصداقیه پیش می‌آید و نمی‌توان روایات را با آن طریق تصحیح نمود. به همین جهت، طرق این ۳ نفر نیز به طرق ضعیف ملحق می‌شود و تعویض سند در آنها می‌تواند مفید باشد.

با توجه به تمام آنچه گفته شد، افرادی که طریق آنها قابل مناقشه و نیازمند تعویض و تصحیح می‌باشد، شامل ۱۶ نفر می‌شود که عبارتند از: «أحمد بن محمد بن عیسی»، «الحسین بن سعید»، «الحسن بن محبوب»، «علی بن الحسن بن فضال»، «محمد بن علی بن



محبوب»، «محمد بن الحسن الصفار»، «علی بن الحسن الطاطری»، «أحمد بن محمد بن سعید»، «محمد بن ابی عمیر»، «إبراهیم بن إسحاق الأحمری»، «علی بن حاتم القزوینی»، «یونس بن عبد الرحمن»، «علی بن جعفر»، «الفضل بن شاذان»، «الحسین بن سفیان البزوفری» و «أبی طالب الأنباری».

### ۳. تبیین نظریه تعویض سند

نظریه تعویض سند، به ابتکار محقق خوبی مطرح و سپس توسط شاگرد ایشان شهید صدر در قالب ۴ روش، بسط و شرح داده شده است که در ادامه به تبیین آن پرداخته خواهد شد:

#### ۳.۱. روش اول تعویض سند

شیخ طوسی رحمته الله در ترجمه برخی روایان می‌فرماید: «أخبرنی بجمیع کتبه و روایاته فلان عن فلان» که در معنای «جمیع کتبه و روایاته»، چهار احتمال وجود دارد:

- الف) همه کتب و روایاتی که به لحاظ واقع و در لوح محفوظ برای آن راوی ثابت است؛
- ب) همه کتب و روایاتی که به اعتقاد شیخ، متعلق به آن راوی است؛ به تعبیر دیگر، همه کتب و روایاتی که به آن راوی نسبت داده شده؛ که به اعتقاد شیخ این نسبت صحیح است.
- ج) همه کتب و روایاتی که به آن راوی نسبت داده شده است؛ اگرچه به دست شیخ نرسیده باشد.
- د) همه کتب و روایاتی که به آن راوی نسبت داده شده و به شیخ نیز رسیده است.

از میان این احتمالات، احتمال اول و سوم، معقول نیست؛ زیرا از نظر عرف امکان ندارد که شیخ به همه کتب و روایاتی که در علم خدا برای آن راوی ثابت است (احتمال اول)، یا به آن راوی نسبت داده شده (احتمال سوم)، احاطه داشته و به آن طریق داشته باشد. احتمال دوم نیز خلاف ظاهر است؛ زیرا شیخ، عبارت «أخبرنی بجمیع کتبه و روایاته» را به عنوان یک راوی بیان کرده است، نه به عنوان یک مجتهد در حدیث؛ به عبارت دیگر، ذکر این طرق از جانب شیخ برای آن است که روایات از ارسال خارج شود، در حالیکه اگر مرادشان از «جمیع کتب و روایات» فقط آن کتب و روایاتی باشد که به اعتقاد شیخ از آن راوی صادر شده در این صورت، این عبارت برای ما بی فایده است؛ چون ما از اعتقاد شیخ اطلاعی نداشته و نمی‌دانیم آیا فلان کتاب منسوب به فلان راوی در اعتقاد شیخ متعلق به آن راوی بوده یا به اشتباه به او نسبت داده شده

است؟ در نتیجه عبارت «اخبرنی بجمع کتبه و روایته» از جانب شیخ بما هو راوی لغو است؛  
فلذا این احتمال خلاف ظاهر است.

در نهایت، از میان احتمالات چهارگانه احتمال چهارم صحیح به نظر می‌رسد.

با توجه به این نکته، روش اول تعویض سند، این‌گونه است که اگر در طریق مذکور در  
مشيخه، شخص ضعیفی واقع شده باشد، اما در سلسله سند، بعد از آن شخص ضعیف، (به  
طرف امام)، شخص ثقه‌ای واقع شده باشد که شیخ به جمع کتب و روایات او، طریق صحیح  
داشته باشد، در این صورت می‌توان این طریق صحیح را با قطعه دوم سند (حد فاصل بین  
شخص ضعیف تا صاحب کتاب)، تعویض نمود. (صدر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، صص ۲۴۴-۲۳۸)

### ۲.۳. روش دوم تعویض سند

اگر اینگونه فرض شود که در طریق شیخ به یک مولف، شخصی ضعیف پس از یک یا چند نفر  
ثقه واقع شده که موجب ضعف طریق مشيخه شده است و دانسته شود که یکی از آن ثقات به  
تمامی کتب و روایات مولف، طریق صحیح دارد، می‌توان آن طریق صحیح را با قطعه دوم سند  
شیخ (حد فاصل بین آن ثقه تا مولف که مشتمل بر شخصی ضعیف است) جایگزین نمود.

البته با توجه به معنایی که از عبارت «اخبرنا بجمع کتبه و روایته» استظهار شد، برای اینکه  
مجاز به چنین تعویضی باشیم، در این مثال باید اثبات شود که روایات مذکور در تهذیب به  
دست «شیخ صدوق» یا «شیخ کلینی»، رسیده است، لازم است در طریق شیخ، همه روایات  
واقع بین شیخ تا «صدوق» یا «کلینی» ثقه باشند؛ (همان، ص ۲۴۴) به عنوان مثال، اگر اینگونه  
فرض شود که شیخ فرموده است: «ما ذکرته فی هذا الكتاب عن محمد بن عیسی، فقد اخبرنی الشیخ  
المفید عن الصدوق عن ابيه عن الكلینی عن بعض اصحابنا عن محمد بن عیسی» و بدانیم که «شیخ  
کلینی» به همه کتب و روایات «محمد بن عیسی» طریق صحیح دارد، در این شرایط می‌توانیم  
طریق شیخ کلینی به «محمد بن عیسی» را جایگزین «الکلینی عن بعض اصحابنا عن محمد  
بن عیسی» نماییم.

### ۳.۳. روش سوم تعویض سند

در روش سوم تعویض سند، طریق نجاشی جایگزین طریق شیخ در مشيخه می‌شود، که این





تعویض مشروط به سه شرط است؛ اول اینکه، نجاشی به مولف، دو طریق داشته باشد که یکی از آنها همان طریق شیخ در مشیخه باشد و علاوه بر آن، طریق صحیح دیگری نیز وجود داشته باشد و در عین حال متذکر اختلافی بین دو نقل نشده باشد. دوم اینکه، راوی مستقیم شیخ و نجاشی، در طریق مشترک، ثقه باشد. سوم اینکه، هم شیخ و هم نجاشی، به تفصیل در شرح حال مولف کتب او را نام برده باشند و کتبی که برای او ذکر کرده‌اند یکسان باشد؛ به تعبیر دیگر، همه کتبی که به دست شیخ رسیده، به دست نجاشی نیز رسیده باشد.

وجه این تعویض آن است که قاعده متعارف بین روایانی مثل نجاشی آن بوده است که اخبار را به دقت بررسی، قرائت و مقابله می‌کرده‌اند، لذا به لحاظ عقلانی بعید است که کتابی از دو طریق و با اختلاف نسخه به دست ایشان برسد، ولی ایشان متوجه اختلاف نشوند، لذا وقتی نجاشی متذکر اختلافی بین نسخ نشده است، معلوم می‌شود روایات از هر دو طریق (طریق ضعیف و طریق صحیح)، یکسان به دست ایشان رسیده است؛ از طرف دیگر، طریق ضعیف نجاشی، همان طریق مشیخه شیخ است و بنابر فرض، راوی مستقیم نجاشی و شیخ، ثقه است. بنابراین، راوی همان گونه که روایات را برای نجاشی نقل کرده، برای شیخ نیز نقل کرده است. از کنار هم گذاشتن این نکات معلوم می‌شود روایاتی که به دست شیخ رسیده، با روایاتی که از طریق صحیح به دست نجاشی رسیده یکسان هستند، از این رو می‌توان سند صحیح نجاشی را جایگزین سند مشیخه شیخ نمود. (همان، صص ۲۴۵ - ۲۴۴)

### ۴.۳. روش چهارم تعویض سند

شیخ طوسی در پایان مشیخه تهذیبی می‌فرماید: «قد أوردت جملا من الطرق إلى هذه المصنّفات و الأصول، و لتفصیل ذلك شرح يطول، و هو مذکور في الفهارس المصنّفة في هذا الباب للشیوخ رحمهم الله من أراده أخذه من هناك إن شاء الله.» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ص ۸۸. ۱۳۹۰ ق، ص ۳۴۲).

در مورد این عبارت شیخ دو احتمال وجود دارد؛ اول اینکه، مراد ایشان ارجاع به فهرست‌هایی باشد که شیوخ مستقلا برای بیان طرق خود به صاحبان کتب (به لحاظ جمیع آنچه از آن مولف، به آنها رسیده است) آنها را نگاشته‌اند. دوم اینکه، مراد شیخ از این عبارت ارجاع به همان مشیخه‌هایی باشد که شیوخ در پایان کتب روایی خود آن را ذکر کرده‌اند.

روش چهارم تعویض سند مبتنی بر آن است که از عبارت شیخ احتمال دوم را استظهار



نماییم، که در این صورت، یکی از روشن‌ترین مصادیق آن، مشیخه کتاب «من لا یحضره فقیه» است؛ یعنی اگرچه مشیخه فقیه به حسب مدلول لفظی برای خصوص روایات مذکور در الفقیه طریق می‌باشد، اما ارجاع شیخ به این مشیخه، کاشف از آن است که همان طرق برای روایات تهذیب هم وجود دارد، پس می‌توان طریق مذکور در مشیخه فقیه را جایگزین طریق شیخ در مشیخه تهذیب نمود؛ یعنی در فرض صحت طریق صدوق علیه السلام، طریق صحیح شیخ به راوی مفروض تلفیقی از بخش اول طریق صحیح شیخ طوسی علیه السلام تا شیخ صدوق علیه السلام و بخش دوم طریق صحیح صدوق علیه السلام تا راوی مزبور می‌باشد. (صدر، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۲۴۹)

#### ۴. تطبیق روش‌های چهارگانه بر طرق شیخ

در این مرحله، طرق قابل مناقشه شیخ در مشیخه، به صورت تک تک مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس تمام طرقی که با سند دیگری قابل تعویض هستند، بیان می‌شود، اگرچه سند جایگزین نیز صحیح مسلم نباشد؛ چرا که لا اقل بنابر برخی مبانی - مانند توثیق راوی در فهرست با وجوه عامه بر خلاف راوی در مشیخه - این تعویض سند می‌تواند موجب تصحیح روایت گردد.

##### ۱.۴. علی بن الحسن بن فضال

شیخ طوسی در مشیخه می‌فرماید: «و ما ذکرته فی هذا الكتاب عن علي بن الحسن بن فضال: فقد أخبرني به أحمد بن عبدون؛ المعروف بابن الحاشر ساعا منه، و إجازة عن علي بن محمد بن الزبير، عن علي بن الحسن بن فضال». (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۲۵۸)

در این طریق «احمد بن عبدون» و «علی بن محمد بن الزبیر» توثیق خاص ندارند، اما خود «علی بن الحسن بن فضال» توثیق شده است. اما روش اول تعویض، قابل تطبیق نیست؛ چرا که طریق شیخ در فهرست دقیقا همان طریق مشیخه است، پس این تعویض بی‌فایده است. اما نسبت به روش سوم تعویض، با توجه به اینکه نجاشی به «علی بن الحسن بن فضال» دو طریق دارد که یکی از آنها همان طریق شیخ است، (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۶) بدین سبب تعویض سند شیخ با سند نجاشی در صورت اجتماع شرایط سه گانه سابق مقدور خواهد بود؛ شرط اول: راوی مستقیم شیخ و نجاشی ثقة باشد. در مانحن فیه «ابن عبدون»، راوی مباشر، اگر چه توثیق خاص ندارد، اما در فرض وثاقت وی با وجوه عامه، شرط اول تمام است.

شرط دوم: نجاشی علاوه بر طریق شیخ به مولف، یک طریق صحیح دیگر نیز داشته باشد که



در مانحن فیه، همین‌گونه است و طریق دوم نجاشی به این ترتیب است: «و أخبرنا محمد بن جعفر، فی آخرین، عن أحمد بن محمد بن سعید، عن علی بن الحسن بکته». (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۹) در این طریق تنها شبهه وثاقت در مورد «محمد بن جعفر» است، که با تعبیر «محمد بن جعفر فی آخرین» معلوم می‌شود که عده‌ای از مشایخ که یکی از آنها «محمد بن جعفر» بوده، این کتب را برای نجاشی نقل کرده‌اند و این موجب وثوق می‌شود؛ پس این شرط نیز تمام است.

شرط سوم: اینکه نجاشی نیز تمام کتبی را که شیخ در ترجمه مولف ذکر کرده، به تفصیل نام برده باشد، که در ما نحن فیه همین‌گونه است؛ (طوسی، ۱۴۲۰، ق، ص ۲۷۲، نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۵۸) در نتیجه این شرط نیز تمام است.

در مجموع، می‌توان بر اساس روش سوم تعویض سند، طریق شیخ در مشیخه را با طریق نجاشی به «علی بن الحسن بن فضال» جایگزین و به این ترتیب، روایات ایشان را تصحیح نمود. روش دوم و چهارم تعویض قابل تطبیق نیستند.

#### ۲.۴. محمد بن الحسن الصفار

شیخ در مشیخه دو طریق برای وی ذکر کرده که عبارت است از:

الف) الشیخ، أبو عبد الله، محمد بن محمد بن النعمان، و الحسن بن عبید الله، و أحمد بن عبدون کلهم: عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الولید، عن أبیه (عن محمد بن الحسن الصفار).  
ب) و أخبرني به أيضا أبو الحسين، ابن أبي جید، عن محمد بن الحسن بن الولید عن محمد بن الحسن الصفار (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۴۷۳).

هر دو طریق به جهت عدم توثیق «احمد بن محمد بن الحسن بن ولید» و «ابن ابی جید» قابل مناقشه می‌باشد، اما با توجه به وثاقت «ابن ولید» و «صفار»، طبق روش اول تعویض، می‌توان طریق شیخ در فهرست، به جمیع کتب و روایات یکی از این دو نفر را با طریق مشیخه تعویض نمود.

اما نسبت به «صفار»، شیخ رحمته در فهرست سه طریق به ایشان ذکر کرده که دو طریق از آنها به «ابن ابی جید» و «احمد بن محمد بن یحیی» صحیح مسلم نمی‌باشد؛ چرا که این دو توثیق خاص ندارند. (اگرچه بنا بر برخی مبانی و با کمک وجوه عامه توثیق، می‌توان آنها را توثیق نمود) اما طریق صحیح به صفار عبارت است از: و أخبرنا جماعة عن محمد بن علي بن الحسين عن محمد بن



الحسن [بن الولید] عن محمد بن الحسن الصفار عن رجاله إلا کتاب بصائر الدرجات فإنه لم يروه عنه (محمد بن الحسن) بن الولید. (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۰۸)

اما در مورد این طریق صحیح نیز شبهه‌ای که وجود دارد آن است که شیخ، در طریق خود کتاب «بصائر الدرجات» را استثنا کرده است، (همان، ص ۴۰۸) که این استثناء، روایات تهذیب را دچار شبهه مصداقی می‌کند و در نتیجه، تعویض امکان پذیر نخواهد بود.

اما این شبهه، با این توضیح قابل دفع است که «ابن ولید» در تمام طریق شیخ علیه السلام به صفار در مشیخه بوده و این خود کاشف از آن است که هیچکدام از روایات مذکور در تهذیبین از کتاب «بصائر الدرجات» اخذ نشده‌اند؛ زیرا «ابن ولید» این کتاب را نقل نکرده است.

اما علاوه بر این، بر اساس همین روش اول تعویض سند، می‌توان طریق شیخ به «ابن ولید» را نیز جایگزین طریق مشیخه نمود؛ زیرا شیخ در ترجمه «ابن ولید» فرموده است: «۱. آخرنا بروایاته ابن ابي جيد عنه. ۲. و آخرنا جماعة عن أحمد بن محمد بن الحسن عن أبيه. ۳. و آخرنا جماعة عن محمد بن علي بن الحسين عن محمد بن الحسن.» (همان، ص ۴۴۲) از میان این طرق، تعویض سند با طریق سوم بدون خدشه محقق می‌شود بر خلاف طریق اول و دوم که به دلیل عدم توثیق خاص «ابن ابی جید» و «احمد بن محمد بن الحسن» قابل تعویض نیستند.

اما روش دوم و سوم تعویض سند، به جهت فقدان شرایط، قابل تطبیق نیستند. اما روش چهارم تعویض سند، قابل تطبیق است؛ زیرا شیخ صدوق در مشیخه فقیه، به «محمد بن الحسن الصفار»، طریق صحیح ذکر کرده و می‌فرماید: «وما كان فيه عن محمد بن الحسن؛ الصفار: فقد رويته عن محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن الحسن، الصفار»، (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۴۳۴) لذا می‌توان این طریق شیخ صدوق را با سند ضعیف مشیخه، تعویض نمود.

### ۳.۴. احمد بن محمد بن عیسی

شیخ در مشیخه، در سه جا، طرق خود به احمد بن محمد بن عیسی را نقل کرده است؛ یکی در ذیل طریق مرحوم کلینی، دوم در ذیل طریق «محمد بن علی بن محبوب»، (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۴۲ و ۷۲) اما در هر دو مورد فرموده است: «من جمله ما ذکرته عن احمد بن محمد بن عیسی...» معنای این عبارت این است که از این طریق، فقط بخشی از روایات احمد به دست





شیخ رسیده و با توجه به اینکه تشخیص روایات مستند به این طریق از سایر روایات ممکن نیست، لذا در همه روایات شبهه مصداقیه پیش می‌آید.

شیخ طوسی در سومین جا یک طریق اختصاصی به کتاب «نوادر» را ذکر کرده و فرموده است: «و ما ذکرته، عن أحمد بن محمد بن عیسی الذي أخذته من نوادره...» (همان، ص ۷۴) و با توجه به اینکه تشخیص روایات نوادر از سایر روایات ممکن نیست، در اینجا نیز شبهه مصداقیه پیش می‌آید. بنابراین، هر سه طریق مذکور حتی اگر صحیح باشند، قادر به تصحیح روایات «احمد» نیستند.<sup>۱</sup>

اما شیخ در فهرست در ترجمه «احمد بن محمد بن عیسی» به مجموعه کتب و روایات ایشان دو طریق ذکر کرده است که عبارتند از:

الف) عدة من أصحابنا منهم: الحسين بن عبید الله و ابن أبي جید عن العطار عن أبيه و سعد بن عبد الله عنه (احمد بن محمد بن عیسی).

ب) عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الولید عن أبيه عن محمد بن الحسن الصفار و سعد جميعا عن أحمد بن محمد بن عیسی. (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۶۱)

در طریق اول، «حسین بن عبیدالله»، «ابن ابی جید» و «احمد بن محمد بن یحیی العطار» توثیق خاص ندارند، اما بعد از آنها «محمد بن یحیی العطار» و «سعد بن عبدالله» واقع شده‌اند که قطعاً ثقه هستند، اگر شیخ به جمیع کتب و روایات یکی از این دو نفر طریق صحیح داشته باشد، می‌توان بر اساس روش اول تعویض سند، اسناد را تعویض نمود.

در طریق دوم نیز، «احمد بن محمد بن الحسن بن الولید» توثیق خاص ندارد، اما بعد از ایشان، «ابن الولید»، «محمد بن الحسن الصفار» و «سعد بن عبدالله» واقع شده‌اند که ثقه می‌باشند، اگر شیخ به جمیع کتب و روایات یکی از این سه نفر طریق صحیح داشته باشد، می‌توان سند را تعویض نمود.

اما همان‌گونه که بیان شد، شیخ به جمیع کتب و روایات «ابن ولید» و «صفار» طریق

۱. البته شیخ طوسی در دو مورد دیگر نیز طریق خود به برخی از روایات «احمد بن محمد» مطلقاً ذکر کرده است (یکی در ذیل «محمد بن الحسن صفار» و دیگری در ذیل «سعد بن عبدالله»)، اما اولاً در آنها نیز تعبیر «من جمله ما ذکرته»، به کار رفته است، ثانیاً عنوان «احمد بن محمد»، مشترک است بین «احمد بن محمد بن عیسی» و «احمد بن محمد بن خالد»، فلذا با این طرق، نمی‌توان روایات «احمد بن محمد بن عیسی» را تصحیح نمود.

صحیح دارد که مفصلاً بیان شد، فلذا می‌توان آنرا با فقره اول طریق فهرست به «احمد بن محمد بن عیسی» تعویض کرد.

همچنین مراجعه به فهرست، نشان می‌دهد که شیخ به جمیع کتب و روایات «سعد بن عبدالله» نیز طریق صحیح دارد، که عبارت است از: «عدة من أصحابنا عن محمد بن علي بن الحسين (بن بابویه) عن أبيه عن سعد بن عبد الله»؛ (همان، ص ۲۱۵) پس می‌توان این طرق را جایگزین فقره اول طریق فهرست کرد.

اما روش دوم تعویض سند، در مقام، قابل تطبیق نیست. همچنین، روش سوم تعویض سند نیز مشروط به شرایطی است که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم؛

نجاشی و شیخ نسبت به شرط اول یک طریق مشترک دارند که عبارت است از: «حسین بن عبیدالله عن احمد بن محمد بن یحیی عن سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد بن عیسی». (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۶۱، نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۲) نجاشی علاوه بر این طریق یک طریق صحیح نیز دارد که عبارت است از: «ابن نوح عن ابوالحسن محمد بن احمد بن داود عن محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم و محمد بن یحیی و احمد بن ادريس عن احمد بن محمد بن عیسی». (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۳ - ۸۲) نجاشی متذکر اختلافی بین دو نقل نشده است، اما تنها ابهامی که وجود دارد آن است که «احمد بن محمد بن یحیی» در طریق نجاشی مستقیماً از «سعد بن عبدالله» روایت کرده است، در حالی که در طریق شیخ «احمد بن محمد بن یحیی» با واسطه پدرش از «سعد» نقل کرده است!

اما شرط دوم در این روش تعویض سند آن است که، راوی مستقیم شیخ و نجاشی در طریق مشترک، ثقه باشد که در محل بحث، شیخ مشترک «حسین بن عبیدالله» است که کتب «احمد بن محمد بن عیسی» را برای هر دو نقل کرده است، لذا اگر قائل به وثاقت ایشان باشیم، این شرط تمام است و در غیر این صورت، شرط محقق نیست.

و اما نسبت به شرط سوم تعویض باید گفت: با وجود اینکه تمام کتب نام‌برده شده توسط شیخ برای احمد را نجاشی نیز برشمرده و تعدادی نیز به آن افزوده است، اما هر دو بزرگوار، تعبیر «منها» به کار برده‌اند، (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۶۱، نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۸۲) که در معنای آن دو احتمال وجود دارد؛ احتمال اول اینکه، مراد این است که کتب مذکور همه کتبی باشد که به دست ایشان رسیده است؛ که در این صورت، تمام کتبی که به دست شیخ رسیده، به دست





نجاشی نیز رسیده و این شرط تمام است. احتمال دوم اینکه، کتب مذکور صرفاً به عنوان نمونه بیان شده‌اند و بخشی از کتبی است که به دست شیخ رسیده است، که در این صورت، معلوم نیست تمام آنچه به دست شیخ رسیده، به دست نجاشی نیز رسیده باشد و در این صورت، شرط سوم ناتمام خواهد بود.

در مجموع، به نظر می‌رسد لااقل برخی از شروط سه گانه فوق، مفقود است و روش سوم تعویض سند در محل بحث، قابل تطبیق نیست.

اما بر اساس روش چهارم تعویض سند نیز می‌توان طریق شیخ به «احمد بن محمد بن عیسی» را تصحیح نمود؛ زیرا شیخ صدوق در مشیخه فقیه، به احمد، طریق صحیح ذکر کرده است که عبارت است از: «و ما کان فیه عن أحمد بن محمد بن محمد بن عیسی الأشعری رضی الله عنه فقد رویته عن أبي؛ و محمد بن الحسن رضی الله عنه عن سعد بن عبد الله؛ و عبد الله بن جعفر الحمیری جمیعاً عن أحمد بن محمد بن عیسی الأشعری». (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۵۳۰) پس می‌توان با اضافه کردن طریق شیخ طوسی تا شیخ صدوق به این سند، آن را تکمیل نموده و جایگزین طریق مشیخه تهذیب نمود.

#### ۴.۴. الحسن بن محبوب

شیخ در مشیخه، طریق خود به «حسن بن محبوب» را در شش مورد ذکر کرده است، اما در ۵ مورد از آنها تعبیر «من جمله ما ذکرته عن الحسن بن محبوب...» به کار برده است، (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۵۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵) لذا حتی در صورت صحت طرق، روایات تهذیب به جهت شبهه مصداقیه تصحیح نمی‌شود. اما در مورد آخر، فرموده است: «و ما ذکرته عن الحسن بن محبوب مما أخذته من کتبه و مصنفاته...» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۵۶) و برای آن، سه طریق ذکر کرده است که عبارتند از:

۱. فقد أخبرني بها أحمد بن عبدون، عن علي بن محمد بن الزبير، القرشي، عن أحمد بن الحسين بن عبد الملك، الأزدي عن الحسن بن محبوب.

۲. و أخبرني به أيضاً الشيخ؛ أبو عبد الله؛ محمد بن محمد بن النعمان، و الحسين بن عبيد الله، و أحمد بن عبدون؛ عن أبي الحسن؛ أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد، عن أبيه؛ محمد بن الحسن بن الوليد (عن محمد بن الحسن؛ الصفار عن أحمد بن محمد، و معاوية بن حكيم، و الهيثم بن أبي مسروق: عن الحسن بن محبوب).

۳. و أخبرني أيضاً أبو الحسين؛ بن أبي جيد، عن محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن؛ الصفار عن أحمد بن محمد، و معاوية بن حكيم، و الهيثم بن أبي مسروق: عن الحسن بن محبوب. (همان، ص ۵۶)



در طریق اول «ابن عبدون» و «علی بن محمد بن الزبیر» توثیق خاص ندارند، ولی «احمد بن الحسین» و «حسن بن محبوب» که بعد از آنها واقع شده‌اند، صراحتاً توثیق شده‌اند و از طرفی شیخ رحمته در فهرست به «حسن بن محبوب» طریق صحیح ذکر کرده است که عبارت است از: «أخبرنا بجمع کتبه و روایاته عدّة من أصحابنا، عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله، عن الهيثم بن أبي مسروق و معاوية بن حكيم و أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن محبوب.»

در طریق دوم و سوم مشیخه نیز «أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد» و «ابن ابی جید» توثیق خاص ندارند، ولی «ابن ولید» و «صفار» و «معاویه بن حکیم» به صورت خاص، توثیق شده‌اند.<sup>۱</sup> و با توجه به اینکه طریق شیخ به «ابن ولید» و «صفار» صحیح است، می‌توان طریق شیخ در فهرست را جایگزین فقره اول طریق مشیخه نمود. اما طریق شیخ به «معاویه بن حکیم»، اگرچه قابل تصحیح است، اما این طریق، فقط به «کتب» معاویه است و اگر اینگونه استظهار کنیم که مقصود شیخ همان معنای «کتب و روایات» می‌باشد، در این صورت، تعویض سند صحیح خواهد بود.<sup>۲</sup>

روش دوم و سوم تعویض سند، در محل بحث، به جهت فقدان شرایط، قابل تطبیق نیستند. اما بر اساس روش چهارم، شیخ صدوق در طریق خود به «حسن بن محبوب» می‌فرماید: «و ما كان فيه عن الحسن بن محبوب فقد روئته عن محمد بن موسى بن المتوكل؟ رض؟ عن عبد الله بن جعفر الحميري؛ و سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن محمد ابن عيسى، عن الحسن بن محبوب» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۴۵۳) که تنها اگر وثاقت «محمد بن موسی بن متوکل» با وجوه عامه پذیرفته شود، تعویض سند ممکن است.

#### ۵.۴. الحسين بن سعيد

شیخ در مشیخه، طریق خود به «حسین بن سعید» را اینگونه بیان می‌فرماید؛

۱. فقد أخبرني به الشيخ؛ أبو عبد الله؛ محمد بن محمد بن النعمان، و الحسين بن عبيد الله، و أحمد بن

۱. «هيثم بن ابی مسروق» ممدوح است و «احمد بن محمد»، بین «ابن خالد» و «ابن عیسی» مشترک است که

با توجه به هم‌عرض بودنشان با معاویه بن حکیم اشکالی پدید نمی‌آورند.

۲. اما اگر استظهار از این تعبیر «طریق شیخ رحمته» به عناوین کتب معاویه بن حکیم» باشد، در این صورت

نمی‌توان تعویض سند انجام داد.



عبدون؛ کلهم: عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد، عن أبيه؛ محمد بن الحسن بن الوليد (عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد).

۲. و أخبرني أيضا أبو الحسين؛ بن أبي جيد؛ القمي، عن محمد بن الحسن بن الوليد: عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد.

۳. و رواه أيضا محمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن الحسن؛ الصفار، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد. (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۶۳)

در طریق اول، «احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد» و «الحسين بن الحسن بن أبان» توثیق خاص ندارند و در طریق دوم نیز «ابن ابی جيد» و «الحسين بن الحسن بن أبان» توثیق خاص ندارند، اما «حسین بن سعید» که بعد از آنها واقع شده است مسلماً ثقه است. طریق سوم نیز بر طرق سابق معلق است؛ یعنی همان افراد ضعیف (ابن ابی جيد - احمد بن محمد بن الحسن بن الوليد) قبل از «ابن ولید» قرار دارند، اما بعد از آنها «ابن ولید» و «صفار» و «حسین بن سعید» واقع شده‌اند که همگی ثقه‌اند. و «احمد بن محمد» نیز بین «ابن عیسی» و «ابن خالد» مشترک است که اگرچه هر دو ثقه هستند، اما به جهت اشتراک بین عنوان، تعیین آن ممکن نیست.

در مجموع، بر اساس روش اول تعویض سند، اگر شیخ به جمیع کتب و روایات «ابن ولید» یا «صفار» و یا «حسین بن سعید» طریق صحیح داشته باشد، می‌توان روایاتی که در تہذیب از «حسین بن سعید» نقل شده را با تعویض سند تصحیح نمود.

اما از این میان، شیخ به «ابن ولید» و «صفار» طریق صحیح دارد، که به تفصیل گذشت و همچنین شیخ در فهرست به جمیع کتب و روایات «حسین بن سعید» نیز طریق صحیح دارد، که عبارت است از: «عدة من أصحابنا عن محمد بن علي بن الحسين عن أبيه و محمد بن الحسن و محمد بن موسى بن المتوكل عن سعد بن عبد الله و الحميري عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد.» (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۵۰) فلذا می‌توان این سند را با سند مشیخه تعویض نمود.

اما روش دوم و سوم تعویض سند در مورد «حسین بن سعید» قابل تطبیق نیستند، ولی بر اساس روش چهارم می‌توان سند شیخ صدوق را جایگزین طریق شیخ در مشیخه نمود؛ زیرا مرحوم صدوق رحمته به «الحسين بن سعيد» دو طریق ذکر کرده است که عبارت است از:

الف) محمد بن الحسن؟ رض؟ عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد.

ب) أبي عبد الله عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد (ابن بابويه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۴۹۰).

که در طریق اول «حسین بن الحسن بن ابان» توثیق خاص ندارد و صحت طریق، به پذیرش وثاقت ایشان منوط است، اما طریق دوم بلا اشکال صحیح است و می توان سند شیخ را با این سند تعویض نمود.

#### ۶.۴. ابن ابی عمیر

شیخ طوسی در مشیخه می فرماید: «و ما ذکرته عن ابن ابی عمیر: فقد رویته بهذا الإسناد عن أبي القاسم، بن قولويه، عن أبي القاسم؛ جعفر بن محمد العلوي، الموسوي، عن عبيد الله بن أحمد بن نهيك، عن ابن ابی عمیر.» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۷۹) و مقصود از «بهذا الاسناد» طریق ایشان به ابن قولویه است که عبارت است از: «الشيخ أبو عبد الله، و الحسين بن عبيد الله جميعا: عن جعفر بن محمد بن قولويه» (همان، ص ۷۹) که در این طریق «جعفر بن محمد العلوی» توثیق خاص ندارد.

اما شیخ در فهرست، برای جمیع کتب و روایات «ابن ابی عمیر» سه طریق ذکر کرده است، که عبارتند از:

۱. جماعة، عن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه و محمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله و الحميري، عن إبراهيم بن هاشم، عن محمد بن أبي عمير.
۲. ابن ابی جید، عن ابن الوليد، عن الصفار، عن يعقوب بن يزيد و محمد بن الحسين و أيوب بن نوح و إبراهيم بن هاشم و محمد بن عيسى بن عبيد، عن محمد بن أبي عمير.
۳. محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه و حمزة بن محمد العلوي و محمد بن علي ماجيلويه، عن علي بن ابراهيم، عن أبيه، عن ابن ابی عمیر. (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۰۵)

در طریق اول و سوم، «ابراهیم بن هاشم» توثیق خاص ندارد و بعد از ایشان هم فرد ثقه ای قرار ندارد تا بتوانیم به واسطه او تعویض سند کنیم.

و طریق دوم نیز از ناحیه «ابن ابی جید» قابل مناقشه است، اما بعد از او «ابن ولید»، «صفار»، «یعقوب بن یزید»، «محمد بن الحسین»، «ایوب بن نوح» و «محمد بن عیسی بن





عبید» واقع شده‌اند، که همگی توثیق خاص دارند،<sup>۱</sup> اگر شیخ به کتب و روایات یکی از این افراد، طریق صحیح داشته باشد، می‌توان آنرا با طریق مشیخه تعویض نمود. و همان‌گونه که سابقاً بیان شد، شیخ به «ابن ولید» و «صفار» طریق صحیح دارد، پس می‌توان با تعویض سند، طریق شیخ را به این ترتیب بازسازی کرد.

همچنین شیخ به «ایوب بن نوح» نیز طریق صحیح ذکر کرده است که عبارت است از: «عدة من أصحابنا عن محمد بن علي بن الحسين بن بابويه عن أبيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله و الحميري عن أيوب بن نوح» (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۳) می‌توان این طریق را بر اساس روش اول تعویض سند با فخره اول طریق مشیخه تعویض نمود و سند را این‌گونه بازسازی کرد:

«عدة من أصحابنا عن محمد بن علي بن الحسين بن بابويه عن أبيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله و الحميري عن أيوب بن نوح عن محمد بن ابی عمیر.»

علاوه بر این، شیخ به جمیع کتب و روایات «محمد بن عیسی بن عبید» نیز طرق متعددی دارد، ولی هیچ‌کدام صحیح قطعی نیستند، لذا تعویض سند مشیخه با آنها مشکلی را حل نمی‌کند. تطبیق روش اول تعویض سند بر طریق شیخ به «ابن ابی عمیر» بیان شد.

روش دوم و سوم تعویض سند در محل بحث، قابل تطبیق نیست، اما شیخ صدوق در فقیه، طریق صحیحی به «ابن ابی عمیر» ذکر کرده که به این صورت می‌باشد: «و ما کان فیہ عن محمد بن ابی عمیر فقد رویته عن ابی؛ و محمد بن الحسن رضی الله عنه عن سعد بن عبد الله؛ و الحمیری جمیعا عن أيوب بن نوح؛ و إیراهیم هاشم؛ و یعقوب بن یزید؛ و محمد بن عبد الجبار جمیعا عن محمد بن ابی عمیر.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۴۶۰) بر اساس روش چهارم تعویض سند، می‌توان سند شیخ در مشیخه را با این سند جایگزین نمود.

۱. البته در مورد وثاقت «محمد بن عیسی بن عبید»، شبهاتی وجود دارد که قابل پاسخ می‌باشد (رک: شیخ محمد نجل صاحب المعالم فی استقصاء الاعتبار، ج ۱، ص ۷۷؛ و الفاضل السراب علی ما فی جامع الرواة؛ و الفاضل الأردبیلی فی جامع الرواة، ج ۲، ص ۱۶۷؛ و المجلسی علی ما فی تنقیح المقال؛ و الشیخ عبد الله المامقانی فی تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۶۷، ۱۶۸؛ و المحقق التستری فی قاموس الرجال، ج ۹، ص ۵۰۳؛ و السید الخوئی فی معجم الرجال، ج ۱۸، ص ۱۲۲؛ و التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۶، ص ۱۸۶؛ و ج ۸، ص ۲۰۹؛ و مستند العروة الوثقی، کتاب الصلاة، ج ۴، ص ۲۰۷؛ و ج ۵، ص ۳۷۱؛ و المعتمد فی شرح المناسک، ج ۴، ص ۲۴۸).



#### ۷.۴. یونس بن عبد الرحمن

شیخ طوسی در مشیخه طرق خود را این گونه بیان می کند: «و ما ذکرته فی هذا الكتاب، عن یونس بن عبد الرحمن:

۱. فقد أخبرني به الشيخ؛ أبو عبد الله؛ محمد بن محمد بن النعمان، عن أبي جعفر؛ محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه، و محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله، و الحميري، و علي بن إبراهيم بن هاشم عن إسماعيل بن مرار، و صالح بن السندي عن یونس بن عبد الرحمن.

۲. و أخبرني الشيخ أيضا و الحسين بن عبيد الله، و أحمد بن عبدون: كلهم: عن الحسن بن حمزة؛ العلوي، عن علي بن إبراهيم، عن محمد بن عيسى بن عبيد عن یونس..

۳. و أخبرني أيضا الحسين بن عبيد الله، عن أبي المفضل؛ محمد بن عبد الله بن محمد بن عبيد الله بن المطلب؛ الشيباني، عن أبي العباس؛ محمد بن جعفر؛ الرزاز عن محمد بن عيسى بن عبيد، اليقطيني، عن یونس بن عبد الرحمن. (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۸۲)

در طریق اول، «اسماعیل بن مرار» و «صالح بن السندي» توثیق ندارند. در طریق دوم نیز «محمد بن عیسی بن عبید» محل کلام است. در طریق سوم نیز «الحسین بن عبیدالله» و «ابی المفضل شیبانی» و «محمد بن جعفر الرزاز» و «محمد بن عیسی بن عبید» توثیق صریح ندارد. پس هیچکدام از طرق مذکور، صحیح مسلم نیستند.

شیخ در فهرست نیز طرق متعددی به «یونس» ذکر کرده است (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۵۱۱) که همگی آنها نیز به «اسماعیل بن مرار»، «صالح بن السندي» و «یونس بن عبد الرحمن» ختم می شود. در هیچکدام از طرق، بعد از افراد ضعیف، شخص ثقه ای وجود ندارد، تا بتوان به واسطه او و بر اساس روش اول، تعویض سند را انجام داد. شیخ صدوق نیز طریقی به روایات یونس ذکر نکرده است، براین اساس، هیچکدام از روش های تعویض سند در مورد ایشان قابل تطبیق نیست.

#### ۸.۴. علی بن جعفر

شیخ طوسی رحمته در مشیخه می فرماید: «و ما ذکرته عن علي بن جعفر: فقد أخبرني به الحسين بن عبيد الله، عن أحمد بن محمد بن يحيى، عن أبيه، محمد بن يحيى، عن العمركي؛ النيسابوري؛ البوفكي، عن علي بن جعفر.» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۸۶) که در این طریق «الحسین بن عبیدالله» و «احمد بن





محمد بن یحیی) توثیق ندارند، اما «محمد بن یحیی»، «عمرکی» و «علی بن جعفر» مسلماً ثقه هستند و مراجعه به فهرست نشان می‌دهد که از میان این افراد، شیخ طوسی به «علی بن جعفر» دو طریق صحیح دارند: الف) جماعة، عن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه، عن محمد بن يحيى، عن العمركي الخراساني البوفكي، عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر. ب) و رواه محمد بن علي بن الحسين [بن بابويه]، عن أبيه، عن سعد ابن عبد الله و الحميري و أحمد بن إدريس و علي بن موسى، عن أحمد بن محمد، عن موسى بن القاسم البجلي، عن علي بن جعفر. (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۶۴) بنابراین، بر اساس روش اول تعویض سند، می‌توان طریق شیخ را با این اسناد، تعویض نمود.

ممکن است چنین اشکال شود که در بیان کتب «علی بن جعفر» اختلاف نسخه وجود دارد؛ در برخی از نسخه‌های فهرست نام کتاب او را «مسائل»، در برخی، «مناسک» و در برخی دیگر، هر دو ذکر کرده‌اند. در نسخه‌ای که هر دو کتاب را به وی نسبت می‌دهد آمده است: «له کتاب المناسک و مسائل أخیه موسی بن جعفر رضی الله عنه سألہ عنہما أخبرنا بذلك...» در این تعبیر، عبارت «اخبارنا بذلك» ابهام داشته و به درستی معلوم نشده است که طریق شیخ به هر دو کتاب است یا فقط یکی از آن دو؟ به جهت وجود این شبهه، تعویض سند، مشکل است.

به این اشکال چنین پاسخ داده شده است که اولاً، بعید نیست که اختلاف نُسَخ، ناشی از شباهت نوشتاری «مناسک» و «مسائل» باشد و نسخه بدل در فرایند استنساخ‌های متوالی وارد متن شده باشد. ثانیاً، ممکن است هر دو نام یک کتاب واحد باشد که بخشی از آن سوال‌های «علی بن جعفر» و بخشی دیگر، مربوط به احکام حج بوده و تعبیر «اخبارنا بذلك»، به همان کتاب واحد اشاره داشته باشد. ثالثاً، حتی اگر آن دو، اسم دو کتاب مستقل باشند، باز هم ظاهر تعبیر «اخبارنا بذلك» می‌تواند مربوط به هر دو باشد؛ همانگونه که شیخ در موارد زیادی، کتب متعددی را نام برده و با تعبیر «اخبارنا بها» به آن اشاره می‌کند، که متفاهم عرفی آن است که «ها» به تمام کتب پیش گفته برگردد.

اما روش دوم و سوم تعویض سند در محل بحث، قابل تطبیق نیستند، ولی روش چهارم را می‌توان در اینجا اجراء نمود؛ شیخ صدوق در مشیخه، دو طریق صحیح، به علی بن جعفر ذکر کرده است که عبارتند از:

الف) أبي جعفر عن محمد بن يحيى العطار، عن العمركي بن علي البوفكي، عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر رضی الله عنه.

ب) محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد علیه السلام عن محمد بن الحسن الصفار؛ و سعد بن عبد الله جميعا عن أحمد بن محمد بن عيسى؛ و الفضل بن عامر، عن موسى بن القاسم البجلي، عن علي بن جعفر، عن أخيه موسى بن جعفر علیه السلام (ابن بابويه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴؛ ص ۴۲۲) فلذا می توان با این اسناد، طریق شیخ در مشیخه را تعویض نمود.

#### ۹.۴. الفضل بن شاذان

سه طریقی که شیخ طوسی در مشیخه به وی نقل کرده، عبارت اند از:

۱. الشيخ أبو عبد الله، و الحسين بن عبيد الله، و أحمد بن عبدون كلهم: عن أبي محمد، الحسن بن حمزة العلوي الحسيني الطبري، عن علي بن محمد بن قتيبة النيسابوري، عن الفضل بن شاذان.
  ۲. (الشيخ؛ أبو عبد الله، و الحسين بن عبيد الله، و أحمد بن عبدون كلهم: عن) أبي محمد الحسن بن حمزة، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن الفضل بن شاذان.
  ۳. الشريف أبو محمد الحسن بن أحمد بن القاسم العلوي المحمدي، عن أبي عبد الله محمد بن أحمد الصفواني، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه عن الفضل بن شاذان. (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۸۶)
- در طریق اول، «علی بن محمد بن قتیبه» و در طریق دوم و سوم، «ابراهیم بن هاشم» توثیق خاص ندارند. و بعد از ایشان نیز شخص ثقه ای قرار ندارد تا توسط او بتوان تعویض سند کرد. شیخ طوسی در فهرست نیز طریق صحیحی به «فضل بن شاذان» ذکر نکرده است، پس تعویض سند با روش اول ممکن نیست. همچنین روش های دوم و سوم نیز قابل تطبیق نمی باشند.
- همچنین با وجود اینکه شیخ صدوق در الفقیه طریق خود را به فضل این گونه بیان می کند:
- «و ما كان فيه عن الفضل بن شاذان من العلل التي ذكرها عن الرضا علیه السلام فقد روته عن عبد الواحد بن عبدوس النيسابوري العطار علیه السلام، عن علي ابن محمد بن قتيبة، عن الفضل بن شاذان النيسابوري، عن الرضا علیه السلام»، اما تطبیق روش چهارم تعویض سند نیز ممکن نیست؛ زیرا اولاً این طریق نیز به «علی بن محمد بن قتیبه» ختم می شود. ثانیاً خود شیخ صدوق تصریح کرده است که این طریق به روایت علل الشرایع از امام رضا علیه السلام منحصر است، از این رو نمی توان سایر روایات «فضل بن شاذان» را به این طریق مستند دانست.





#### ۱۰۰۴. محمد بن علی بن محبوب

در طریق شیخ طوسی رحمته در مشیخه؛ «و ما ذکرته فی هذا الكتاب عن محمد بن علی بن محبوب فقد أخبرني به الحسين بن عبيد الله، عن أحمد بن محمد بن يحيى، العطار، عن أبيه؛ محمد بن يحيى، عن محمد بن علي بن محبوب.» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۷۲) «الحسين بن عبيدالله» و «احمد بن محمد بن يحيى» توثیق خاص ندارند، اما بعد از ایشان، «محمد بن يحيى» و «محمد بن علی بن محبوب» واقع شده که قطعاً ثقه می‌باشند، اگر شیخ طوسی به جمیع کتب و روایات یکی از این دو، طریق صحیح داشته باشد، می‌توان روایات را براساس روش اول تعویض سند تصحیح نمود.

اما شیخ طوسی در فهرست، طریقی را به «محمد بن يحيى»، ذکر نکرده است، ولی سه طریق به مجموعه کتب و روایات «محمد بن علی بن محبوب» ذکر کرده است که یکی از آنها قطعاً صحیح است؛ این طریق عبارت است از: «جماعة عن محمد بن علي بن الحسين، عن أبيه؛ و محمد ابن الحسن (الوليد)، عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن علي بن محبوب.» (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۴۱۱) فلذا می‌توان این سند را جایگزین طریق شیخ در مشیخه نمود.

همچنین روش چهارم تعویض سند نیز در مورد ایشان قابل تطبیق است؛ زیرا شیخ صدوق در مشیخه فقیه دو طریق صحیح به «محمد بن علی بن محبوب» نقل کرده است که عبارتند از:

الف) أبي و محمد بن الحسن و محمد بن موسى بن المتوكل و أحمد بن محمد بن يحيى العطار و محمد بن علي ماجيلويه رحمته عن محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن علي بن محبوب. ب) أبي و الحسين بن أحمد بن إدريس رحمته عن أحمد بن إدريس، عن محمد بن علي بن محبوب. (ابن بابويه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴؛ ص ۵۲۳)

#### ۱۱۰۴. علی بن الحسن الطاطری

طریق شیخ طوسی رحمته به وی در مشیخه عبارت از: «و ما ذکرته عن علي بن الحسن، الطاطري: فقد أخبرني به أحمد بن عبدون، عن علي بن محمد بن الزبير، عن أبي الملك أحمد بن عمر بن كَيْسَبَةَ، عن علي بن الحسن الطاطري.» (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۷۶) که هیچکدام از این راویان به‌جز «علی بن الحسن طاطری» توثیق خاص ندارند، اما چون سند شیخ در فهرست، همان طریق مذکور در مشیخه است، (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۷۲) لذا تعویض سند بلافائده است؛ همچنین، سایر روش‌های تعویض سند نیز در مورد ایشان قابل تطبیق نیست.

#### ۱۲.۴. أبي العباس؛ أحمد بن محمد بن سعيد

شيخ طوسي رحمته الله در طريق خود به او در مشيخه می گوید: «و ما ذكرته عن أبي العباس؛ أحمد بن محمد بن سعيد: فقد أخبرني به أحمد بن محمد بن موسى، عن أبي العباس أحمد بن محمد بن سعيد.» (طوسي، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۷۷) که این طريق به واسطه «احمد بن محمد بن موسى» قابل مناقشه است، اما از آنجا که طريق شيخ در فهرست، همان طريق مشيخه است، (طوسي، ۱۴۲۰ ق، ص ۶۹) لذا تطبيق روش اول ممکن نیست. همچنين در محل بحث، روش دوم و سوم تعويض سند نیز قابل تطبيق نیستند. اما بر اساس روش چهارم، از آنجا که در طريق شيخ صدوق رحمته الله به ایشان «محمد بن ابراهيم بن اسحاق» (ابن بابويه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴؛ ص ۵۳۶) ذکر شده که توثيق خاص ندارد، لذا تعويض سند، در صورتی مفيد است که به کمک وجوه عامه توثيق، قائل به وثاقت ایشان باشیم.

#### ۱۳.۴. ابراهيم بن اسحاق الاحمري

شيخ طوسي رحمته الله در مشيخه می فرماید: «و ما ذكرته عن إبراهيم بن إسحاق الأحمري: فقد أخبرني به الشيخ أبو عبد الله، والحسين بن عبيد الله، عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري، عن محمد بن هوزة، عن إبراهيم بن إسحاق الأحمري.» (طوسي، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۷۹) از آنجا که خود این راوی - ابراهيم بن اسحاق - توسط شيخ و نجاشی تضعيف شده است، (طوسي، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۶، نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۹) حتی در صورت تعويض و تصحيح طريق نیز روایات او ضعيف خواهند بود و تعويض سند بی فايده است.

#### ۱۴.۴. علي بن حاتم القزويني: ۶۳ (۴۱) ۱۳ هـ.ش

شيخ طوسي در مشيخه می فرماید: «و ما ذكرته عن علي بن حاتم القزويني: فقد أخبرني به الشيخ أبو عبد الله؛ وأحمد بن عبدون، عن أبي عبد الله الحسين بن علي بن شيبان القزويني، عن علي بن حاتم.» (طوسي، ۱۴۰۷ ق، ج ۱۰، ص ۸۰) اما این طريق به جهت عدم توثيق «الحسين بن علي بن شيبان» قابل مناقشه است و فقط شرایط روش چهارم تعويض سند در آن وجود دارد؛ بر این اساس که «علي بن حاتم» شيخ بلاواسطه مرحوم صدوق است<sup>۱</sup> و شيخ صدوق در مشيخه برای او عنوان

۱. مشيخه الفقيه: «وما كان فيه عن حمدان بن الحسين: فقد رويته عن علي بن حاتم، إجازة، قال: أخبرنا القاسم بن محمد، قال: حدثنا حمدان بن الحسين.





مستقلی ذکر نکرده است. در چنین شرایطی اگر از ارجاع شیخ طوسی به فهرس اصحاب، اینگونه استظهار کنیم که شامل اینگونه افراد نیز می‌شود، می‌توانیم با اضافه کردن طریق شیخ طوسی تا شیخ صدوق، این سند را به این شکل تکمیل کنیم؛ «جماعه من اصحابنا: منهم محمد بن محمد بن نعمان، عن محمد بن علی بن الحسین، عن علی بن حاتم القزینی.»

#### ۱۵.۴. ابي عبد الله الحسين بن سفيان البزوفري

شیخ طوسی رحمته الله در مشیخه خود چنین می‌فرماید: «و ما ذکرته عن ابي عبد الله الحسين بن سفيان البزوفري، فقد أخبرني به أحمد بن عبدون و الحسين بن عبيد الله، عنه.» (طوسی ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۸۷) و مناقشه این طریق به دلیل عدم توثیق «ابن عبدون» و «الحسین بن عبیدالله» می‌باشد، اما هیچکدام از روش‌های تعویض در مقام تطبیق ممکن نیست؛ چرا که شیخ طوسی در فهرست و شیخ صدوق در مشیخه طریقی به کتب ایشان ذکر نکرده‌اند و همچنین سایر روش‌های تعویض سند نیز واجد شرایط نیستند.

#### ۱۶.۴. ابي طالب الأنباري

شیخ طوسی در مشیخه می‌گوید: «و ما ذکرته عن ابي طالب الأنباري فقد أخبرني به أحمد بن عبدون، عنه.» (همان، ص ۸۸) که در این طریق نیز «ابن عبدون» توثیق ندارد و در مقام تطبیق، هیچکدام از روش‌های تعویض، در حق ایشان تمام نیست؛ چرا که همین طریق در فهرست ذکر شده است (طوسی، ۱۴۲۰ ق، ص ۲۹۷) و شیخ صدوق نیز طریقی را به ایشان ذکر نکرده است و سایر روش‌ها نیز قابل تطبیق نیستند.

#### ۵. نتیجه

در این پژوهش، ابتدا نظریه تعویض سند در بیان شهید صدر رحمته الله مطرح گردیده و پس از بررسی رجالی تک تک طرق تهذیبی، و تفکیک طرق صحیح از طرق ضعیف به تطبیق این نظریه در طرق ضعیف به هدف تصحیح آنان پرداخته شده است.

در راستای تفکیک طرق، از میان ۳۶ نفر مذکور در مشیخه، طریق شیخ به ۱۹ نفر بلا اشکال صحیح و طریق به ۱۶ نفر، قابل مناقشه بوده؛ اعم از اینکه طریق ضعیف بوده یا اینکه برخی رجال توثیق خاص نداشته باشند. ۷ طریق از میان طرق قابل مناقشه توسط روش اول تعویض سند

تصحیح شده که عبارتند از؛ «احمد بن محمد بن عیسی»، «الحسن بن محبوب»، «الحسین بن سعید»، «محمد بن علی بن محبوب»، «محمد بن الحسن الصفار»، «علی بن جعفر» و «محمد بن ابی عمیر». همچنین، روش سوم تعویض سند نیز به تصحیح طریق «علی بن الحسن بن فضال» انجامیده است. روش چهارم تعویض سند هم بر ۸ نفر قابل تطبیق می‌باشد، که عبارتند از: «محمد بن الحسن الصفار»، «احمد بن محمد بن عیسی»، «محمد بن علی بن محبوب»، «احمد بن محمد بن سعید»، «حسن بن محبوب»، «ابن ابی عمیر»، «علی بن حاتم» و «علی بن جعفر».



## فهرست منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق)، من لا یحضره الفقیه (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحدیث (چاپ پنجم). تهران: بی جا: نشر توحید.
۳. صدر، محمد باقر، (۱۴۰۸ ق)، مباحث الأصول (چاپ اول). قم: مطبعة مركز النشر - مكتب الإعلام الإسلامی.
۴. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ ق)، تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان) (چاپ چهارم). تهران: دار الكتب الإسلامیه.
۵. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۲۰ ق)، فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الأصول (للطوسی) (ط - الحدیثة) (چاپ اول). قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.
۶. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ ش)، رجال النجاشی (چاپ ششم). قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسين بقم المشرفه.
۷. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.

